

# ابعاد حقوقی حفظ محیط زیست

## با اتکا بر مقررات بین‌المللی<sup>۱</sup>

حاتم صادقی زیازی

### مقدمه

موضوع حمایت از محیط زیست در جهت منافع بشری و از بین بردن آثار مخرب فعالیت‌های صنعتی تبدیل به مسأله‌ای جدی در جهان معاصر گردیده است و از ویژگی‌های مشترک سیاست داخلی کشورها محسوب می‌شود. امروزه بشریت در برابر تهدید خود از بین‌بری توسط ابزاری قرار دارد که برای پیشرفت و سعادت خود ساخته است. مقابله با این تهدید نیاز به اقدامی قاطع از طریق اتخاذ تدابیر مناسب از سوی همه نهادهای دولتی و بین‌المللی دارد، اما این هدف تحقق نخواهد یافت مگر این که همکاری و هماهنگی لازم چه در سطح ملی میان ارگان‌های مسئول و اشخاص خصوصی و چه در سطح بین‌المللی میان دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی به وجود آید. حقوق به عنوان مهم‌ترین ابزار اجتماعی و فرهنگی در تنظیم روابط اجتماعی نقش مهمی را به عهده دارد، زیرا باعث به نظم در آمدن

---

۱. این مقاله چکیده‌ای از پژوهشی با همین عنوان است که در دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۸۰ صورت گرفته است.

مسائل زیست محیطی در قالب قواعد الزام آور می گردد. با توجه به گستردگی دامنه مسائل زیست محیطی، بررسی آن از ابعاد مختلف حقوقی ضروری می نماید.

اولین کنفرانس جهانی سازمان ملل درباره انسان و محیط زیست معروف به استکهلم در ۵ ژوئن ۱۹۷۲ (خرداد ۱۳۵۱) برگزار شد. نتیجه کار کنفرانس تصویب و انتشار یک بیانیه حاوی ۲۶ اصل است. در این بیانیه حق برخورداری انسان از محیط زیست سالم همپراز با حقوق بشر شناخته شده است.

کنفرانس دوم سازمان درباره توسعه و محیط زیست ۲۰ سال بعد از کنفرانس استکهلم در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو (برزیل) که به همایش زمین معروف است تشکیل شد. با تصویب و انتشار بیانیه ریو حاوی ۲۷ اصل و دستور کار ۲۱ و دو کنوانسیون مهم، فصل دیگری در زمینه تقویت همکاری های بین المللی زیست محیطی گشوده شد.

همچنین از ۱۹۷۲ تاکنون کنوانسیون های متعددی از سوی کشورهای جهان به امضا رسیده که حاکی از اهمیت توجه به مسأله محیط زیست است.<sup>۱</sup>

کنفرانس های سازمان ملل و کنوانسیون های بین المللی با گذشت زمان و با تحولات صنعتی و پیشرفت تکنولوژی و نیاز جامعه بشری به حفظ محیط زیست و توجه به آثار زیانبار آن و همچنین مقابله با اشکال جدید تخریب محیط زیست و حمایت از آن مهم همچنان در حال تشکیل هستند.

### وضعیت سازمان حفاظت محیط زیست

سازمان حفاظت محیط زیست تقریباً مقارن با سال برگزاری اولین کنفرانس سازمان ملل، کنفرانس استکهلم، با مصوبه ۱۳۵۰/۱۱/۱۲ تشکیل شد و تا اکنون انجام وظیفه می کند؛ اما در خصوص این سازمان این پرسش مطرح است که آیا توانسته همانند کنفرانس های سازمان ملل و کنوانسیون های بین المللی که با توجه به نیاز جامعه جهانی به منظور مبارزه با اشکال جدید تخریب محیط زیست شکل گرفته اند و با توجه به نیاز روز جامعه جهانی در

۱. رجوع کنید به صص ۳۷-۳۶ از متن اصلی گزارش.

این زمینه حرکت می‌کنند، ساختار خود را برای پاسخگویی به معضلات محیط زیست ایران اصلاح کند و برای پاسخگویی به آن مسائل تغییر و تحول دهد؟ و این که آیا این ساختار پاسخگو بوده است یا نه؟

سازمان حفاظت محیط زیست از کمبود صلاحیت رنج نمی‌برد و در واقع صلاحیت سازمان در رسیدگی به موارد تخریب محیط زیست عام است؛ بدین معنا که هم صلاحیت دارد که با تخریب درختان و گیاهان در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش و پارک‌های ملی مقابله کند و هم صلاحیت دارد که از نابود کردن گونه‌های خاصی از حیوانات و آبزیان جلوگیری به عمل آورد.<sup>۱</sup>

نبود قوانین خاص مربوط به محیط زیست باعث به وجود آمدن مشکلاتی در اجرای مقررات موجود شده و این امر میسر نخواهد شد، مگر این که تحولات اساسی در ساختار سازمان صورت گیرد و متناسب با آن قوانین خاصی وضع شود که اختیارات و صلاحیت دیگر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها را در امر محیط زیست و مسائل مربوط به آن کم‌رنگ‌تر یا خنثی کند تا تداخل و تعارض بین صلاحیت و اختیار سازمان حفاظت محیط زیست در اجرای مقررات قوانین خاص خود با سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها ایجاد نشود.

در زمینه امور راجع به طبیعت و محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلفی دخالت دارند. سازمان حفاظت محیط زیست به‌عنوان متولی اصلی حفظ محیط زیست، و وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو در بخش وظایف مربوط به سازمان آب، وزارت مسکن و شهرسازی در بخش سیاست‌های شهری و شهرک‌سازی، سازمان بنادر و کشتیرانی در بخش دریاها، شهرداری‌ها در بخش زیباسازی شهر، فضای سبز، دفع مواد و زباله‌ها، وزارت صنایع و معادن در بخش کارخانجات صنعتی و تولیدی و معادن و بهره‌برداری از آن‌ها، وزارت بهداشت در بخش بهداشت محیط و نظارت بر سموم و مواد شیمیایی و... و همچنین وزارت راه و ترابری که به احداث و گسترش راه‌های کشور مشغول است، هر کدام به نحوی در قضیه محیط زیست دخالت دارند.

۱. رجوع کنید به صص ۴۹-۵۰ گزارش اصلی.

تعدد مراجع مذکور بعضاً به جای حفاظت و بهسازی محیط زیست، به واسطه اتخاذ تصمیمات غیراصولی و تضاد منافع سازمانی و وزارتخانه‌ای موجب ایراد خسارات فراوان زیست‌محیطی می‌گردد که به اختصار به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

یکی از مقررات مشکل‌آفرین برای عرصه‌های طبیعی و محیط زیست ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در جمهوری اسلامی (مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۱) است که به موجب آن برای فعالیت‌های مختلف، اراضی دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار می‌گردد.

در این راستا در موارد متعددی مشاهده شده که بدون توجه به ممنوعیت واگذاری پارک‌های ملی و اراضی مناطق حفاظت‌شده، اراضی این گونه مناطق به دلیل تخلفات مسئولان ذی‌ربط به اشخاص واگذار گردیده و لطمات جبران‌ناپذیری را به عرصه‌های طبیعی وارد گشته است. برداشت‌های قضایی و حقوقی متفاوت از قوانین و مقررات نیز به بحران دامن زده و بر مشکلات افزوده است.<sup>۱</sup>

به عنوان مثال می‌توان به تبصره ۴ ماده ۳۱ اصلاحی از قانون اصلاح فصل پنجم و پاره‌ای از مواد قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۵۴/۳/۱۴ اشاره کرد که می‌گوید:

«آن قسمت از اراضی جنگلی، جلگه‌ای، مراتع و بیشه‌های طبیعی که به منظور حفظ و حمایت نسل شکار از طرف سازمان حفاظت محیط زیست با رعایت قوانین و مقررات مربوط به عنوان پارک ملی یا منطقه حفاظت‌شده اعلام گردیده یا خواهد شد و در اختیار سازمان مزبور قرار داشته یا بعداً قرار خواهد گرفت، قابل واگذاری به غیر نیست.»

علی‌رغم تصریح این تبصره، متأسفانه موارد متعددی تخلف در واگذاری عرصه‌های طبیعی اعم از پارک ملی یا منطقه حفاظت‌شده از سوی مسئولان وزارت کشاورزی و جهاد مشاهده گردیده است که یک نمونه آن واگذاری بیش از ۲۴۰ هکتار از اراضی پارک ملی سرخه حصار واقع در شرق تهران که ریه تنفسی شهر تهران محسوب می‌گردد به تعاونی

۱. رجوع کنید به صص ۷-۸ گزارش اصلی.

مسکن مرکزی کارکنان وزارت کشاورزی در سال ۱۳۶۵ است که با موافقت وزیر کشاورزی وقت و اداره منابع طبیعی استان تهران انجام گرفته و نسبت به صدور سند مالکیت آن به نام این تعاونی نیز اقدام شده است. البته این امر منشأ دعاوی متعدد در مراجع قضایی شده و تاکنون نیز لاینحل باقیمانده است.

همچنین می‌توان به واگذاری اراضی منطقه حفاظت شده ورجین در لواسانات اشاره کرد که به موجب آن، قسمتی از اراضی در قالب اجاره یا واگذاری جهت ساخت مسکن توسط اداره منابع طبیعی و سازمان زمین شهری به تعاونی مسکن آزادگان، دادگستری لواسانات، جهاد سازندگی، اداره ثبت فشم و اشخاص حقیقی واگذار گردیده و موجب تنش و درگیری و طرح دعاوی متعدد بین سازمان حفاظت محیط زیست و نهادهای مذکور در دادگستری شده است.

اشکال و تعارضات موجود از آن جا ناشی می‌گردد که به موجب قوانین خاص از جمله تبصره ۴ اصلاحی مذکور و مواد ۳ و ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، این گونه عرصه‌ها توسط شورای عالی حفاظت محیط زیست در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست است و این سازمان قائم مقام قانونی کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی در این گونه مناطق محسوب می‌شود.

با توجه به این که طبق ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرای قانون اصلاح ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب (۱۳۵۴/۳/۱۴) و الحاق چند تبصره به آن (مصوب ۱۳۷۴/۷/۲) هیأت وزیران، اسناد اراضی دولتی توسط ادارات ثبت اسناد و املاک کشور با نمایندگی سازمان جنگل‌ها و مراتع صادر می‌گردد و در حقیقت این اسناد در ید سازمان جنگل و مراتع کشور است و ادارات منابع طبیعی که زیر مجموعه سازمان جنگل‌ها و مراتع هستند این اسناد را در اختیار دارند و بدون توجه به قوانین و مقررات زیست‌محیطی مبادرت به واگذاری عرصه‌های حفاظت شده و پارک‌های کشور به اشخاص حقیقی و

حقوقی می‌کنند و این اقدامات بسیار اسفبار، زحمات فراوانی را برای مسئولان محیط زیست و علاقه‌مندان به حفظ طبیعت ایجاد کرده و نارضایتی عمومی را برانگیخته است.<sup>۱</sup> از موارد دیگر می‌توان به قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی (مصوب ۱۳۵۴/۱۱/۴) اشاره کرد که کلاً در مورد مسأله کشتیرانی و حمل نفت و آلودگی نفتی است. براساس ماده ۱۹ این قانون وزارت راه و ترابری و وزارت دادگستری موظف به اجرای این قانون هستند، لکن آیین‌نامه‌های آن را سازمان بنادر و کشتیرانی با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست و شرکت ملی نفت ایران تهیه کرده‌اند. حال تا چه حد بر آلودگی‌های ناشی از کشتیرانی نظارت می‌شود، موضوعی است که در خور تأمل است.

همچنین، می‌توان به قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ اشاره کرد که تنها دو ماده از آن یعنی مواد ۶ و ۴۶ به سازمان حفاظت محیط زیست مربوط می‌شود. لکن باقی مواد این قانون به سازمان‌های دیگر و عمدتاً وزارت نیرو (سازمان آب) مربوط است.

ماده ۴۶ این قانون می‌گوید: «صاحبان و استفاده‌کنندگان از چاه و قنات مسئول جلوگیری از آلودگی آب آن‌ها هستند و موظفند طبق مقررات بهداشتی عمل کنند و چنانچه جلوگیری از آلودگی آب خارج از قدرت آنان باشد مکلفند مراتب را به سازمان حفاظت محیط زیست یا وزارت بهداشتی اطلاع دهند.

طبق ماده ۴۶ آلوده ساختن آب ممنوع است و مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست محول شده و بدین ترتیب، سازمان مذکور موظف است پس از کسب نظر سایر مقامات ذی‌ربط، کلیه تعاریف ضوابط، مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به جلوگیری از آلودگی آب را تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند و این مقررات پس از تصویب لازم‌الاجرا خواهند بود.<sup>۲</sup>

۱. رجوع کنید به صص ۸-۹ به گزارش اصلی.

۲. رجوع کنید به ص ۹، به گزارش اصلی.

از مباحث دیگر مربوط به معضلات محیط زیست ایران، قدیمی بودن اکثر مقررات و قوانین محیط زیست است. تحولات و دگرگونی در اشکال جدید آلودگی‌ها از سوی صنایع و کارخانجات و رشد روز افزون صنایع، پیشرفت روش‌ها و شیوه‌های مبارزه با آلودگی و تخریب محیط زیست و تغییر و تحول در زمینه به‌کارگیری انواع مجازات‌های مؤثر در حوزه‌های مختلف جرائم و مجرمین از جمله نکاتی است که باید در تدوین قوانین و مقررات مربوط به محیط زیست ملحوظ گردد. این همه اقتضا دارد که قوانین و مقررات زیست محیطی به صورت مستمر مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گیرند. بحث قدیمی بودن قوانین با عنایت به تورم اقتصادی موجود در جامعه بیش‌تر نمود پیدا می‌کند و عینی‌ترین مسأله در این ناچیز و کم بودن میزان جریمه‌های نقدی است. از مقایسه میزان جزای نقدی با مدت حبسی که به عنوان مجازات موازی و همسنگ آن در هر یک از قوانین در نظر گرفته شده، معلوم می‌شود که میزان جزای نقدی در زمان قانون وقت و وضعیت تورم اقتصادی، مناسب و قابل توجه بوده، لکن با گذشت زمان و کاهش ارزش پول و عدم تغییر میزان ریالی جزای نقدی، امروزه نوعی ناهماهنگی فاحش بین میزان جزای نقدی و مدت حبس موازی آن به چشم می‌خورد که نیاز به اصلاح دارد.

این مشکل به خصوص در مورد جرائم مربوط به آلوده‌سازی هوا حادث‌تر است؛ زیرا آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب سال ۱۳۵۴، برای مجازات اشخاص حقوقی و حقیقی آلوده‌کننده هوا، تنها مجازات جزای نقدی را در نظر گرفته که با توجه به کم بودن میزان جزای نقدی در وضعیت فعلی، این کیفر امروزه مجازات مؤثری محسوب نمی‌شود.

در برخی زمینه‌ها به خصوص آلودگی‌های صوتی با خلأ کامل قوانین کیفری مواجه هستیم. در مباحث متن اصلی به انواع آلودگی‌ها و ناهنجاری‌های صوتی و سروصدای ابزار و وسایل گوناگون و نیز آثار و عواقب ناگوار آن اشاره شده است. همچنین امروزه معضلات و مسائل محیط زیست در دیگر حوزه‌های آن بسیار حادث‌تر و اساسی‌تر به نظر می‌رسد. امروزه آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های هسته‌ای و شیمیایی به صورت جدی محیط زیست را به خطر انداخته است.

این امر ایجاب می‌کند که دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های زیست محیطی چه در زمینه تدوین قوانین و چه در سایر زمینه‌ها، این ملاحظات را بیش از پیش مورد توجه و لحاظ قرار دهند.<sup>۱</sup>

برخی از مسائل و معضلات نوین مربوط به محیط زیست و چاره‌جویی در این زمینه در کشورها با تأخیر زیاد مطرح و شروع شده است. علاوه بر این، چون حوزه و دامنه موضوعات مربوط به محیط زیست به تدریج گسترش یافته و حتی هنوز هم در زمینه‌هایی از قبیل انهدام جنگل‌ها و مراتع، آلودگی‌های هسته‌ای و رادیو اکتیو و ... سازمان حفاظت محیط زیست، نقش محوری و اساسی ندارد، همچنان لازم است که تحولات و تغییراتی در ساختار و وظایف سازمان صورت گیرد.

برخی از آلودگی‌های مهم محیط زیست از سوی اشخاص حقوقی یعنی کارخانجات و کارگاه‌ها صورت می‌پذیرند. نظری به قوانین کیفری محیط زیست موجود نشان می‌دهد که در این زمینه، چاره‌اندیشی کافی صورت نگرفته است. رشد روزافزون صنعت و تکنولوژی و گسترش انواع آلودگی‌های زیست محیطی از سوی واحدهای صنعتی و تجاری ایجاب می‌کند که در این زمینه برنامه‌ریزی و سیاست مناسبی اتخاذ گردد. در مورد مجازات واحدهای مختلف آلوده کننده محیط باید از مجازات‌های مؤثر استفاده کرد. مجازات حبس در مورد مدیر یا مسئول یک واحد آلوده کننده شاید مجازات مؤثر و مناسبی نباشد؛ چراکه اولاً در این گونه واحد، در آمد و سود بیش‌تر کسب می‌شود و با حبس کردن مدیر یا مسئول آن، واحد مربوط از هدف خود دور نمی‌افتد و ثانیاً با ادامه کار واحد آلوده کننده، همچنان آلودگی محیط زیست ادامه می‌یابد و مقصود حاصل نمی‌شود. لذا به نظر می‌رسد در مورد اشخاص حقوقی آلوده کننده محیط زیست، حتی المقدور باید از مجازات جزای نقدی یا تعطیلی موقت یا دائم واحد آلوده کننده استفاده کرد و این در صورتی مؤثر خواهد بود که میزان جزای نقدی زیاد باشد یا مدت تعطیلی واحد،

۱. رجوع کنید به ص ۲۸، ۲۹ و ۳۰ گزارش اصلی.



خسارت مالی زیادی به آن وارد سازد. در غیر این صورت، واحد آلوده کننده ممکن است پرداخت جزای نقدی را ترجیح و همچنان به آلوده‌سازی محیط زیست ادامه دهد. در راستای پیشگیری و نیز جلوگیری از استمرار آلودگی، به جای مجازات واحد آلوده کننده، قوانین و مقررات زیست محیطی باید اقتدار و اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست را در جلوگیری از استمرار فعالیت واحدهای آلوده کننده و تعطیل کردن آن‌ها پیش‌تر کنند.

قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸) قانون نسبتاً خوبی به نظر می‌رسد و به سازمان حفاظت محیط زیست در جهت جلوگیری از فعالیت و تعطیل کردن واحدهای آلوده کننده محیط زیست، اختیار وسیع و گسترده‌ای اعطا کرده است. بر اساس این قانون، سازمان حفاظت محیط زیست اختیار دارد به واحدهای آلوده کننده محیط اخطار کند یا از فعالیت آن‌ها تا رفع آلودگی جلوگیری و ممانعت به عمل آورد. البته متأسفانه شواهد و قرائن حاکی از آنند که سازمان نتوانسته از این اختیار خویش خوب استفاده کند و البته عوامل و اهرم‌های فشار گوناگون (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) که حمایت از محیط زیست را تحت تأثیر قرار داده‌اند، در این قضیه دخیل بوده‌اند.

در زمینه مقابله با آلودگی‌های رادیواکتیو و آثار زیان‌آور اشعه، تنها یک قانون وجود دارد که در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده است، در حالی که روز به روز کاربرد اشعه در امور مختلف زندگی بشر گسترش می‌یابد. ضروری است در همه جوانب گوناگون، به منظور مقابله با آثار زیان‌آور اشعه و مواد رادیواکتیو، قوانین و مقررات دقیق‌تر و جامعی‌تر تدوین و تصویب گردد. همچنین لازم است تا مورد دفن زباله‌های اتمی نیز با رعایت مصالح کلی کشور، مقررات مناسبی وضع شود. به طور کلی کشور ما در این زمینه با خلأ بیش‌تری مواجه است و نیاز به برداشتن گام‌های بلندتر دارد.<sup>۱</sup>

۱. رجوع کنید به صص ۳۲-۳۱ گزارش اصلی.

به منظور مقابله با آلودگی و تخریب و محیط زیست باید همزمان از ابزار و شیوه‌های مختلفی سود جست و از محدود کردن خویش به یک یا دو وسیله و روش خاص پرهیز کرد.

در مورد رویه قضایی و آرای محاکم در زمینه جرائم علیه محیط زیست، رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌های حقوقی محیط زیست و پذیرش مأمورین سازمان‌های حفاظت محیط زیست و جنگلبانی به عنوان ضابطین دادگستری، اقدامی مثبت و سازنده است. از سوی دیگر، توجه و رسیدگی به پرونده‌های کم اهمیت و کوچک به جای موارد مهم و عمده، کندی رسیدگی در محاکم، عدم آشنایی و تسلط کافی قضات به مباحث و قوانین و مقررات مربوط به محیط زیست، استناد به ملاحظات غیرحقوقی در استدلال و مبانی آرای برخی محاکم، و ملاحظه کاری نسبت به صنایع و واحدهای بزرگ آلوده کننده محیط زیست، به خصوص واحدهای وابسته یا متعلق به دولت از نکات منفی رویه قضایی محسوب می‌گردند.

در برخی موضوعات زیست محیطی قانونگذار ما هیچ گاه به فکر وضع قانون نیفتاده و با خلأ قانونگذاری روبه‌رو هستیم؛ مثلاً در زمینه آلودگی و تخریب خاک، یا آلودگی صوتی، البته در مورد آلودگی صوتی. در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مطلبی آمده، ولی یک آیین‌نامه اجرایی که به تفصیل به وضع مجازات این آلودگی به صورت مستقل پردازد هنوز تصویب نشده؛ در حالی است که امروزه این آلودگی به خصوص در شهرهای بزرگ مانند تهران از جمله معضلات مهم است و شایسته است در این خصوص مقررات خاصی در جهت سلامت افراد جامعه تدوین شود.<sup>۱</sup>

آیین‌نامه‌های صادره از سوی سازمان در هیأت دولت بدون لحاظ کردن نظر سازمان در مصوبه، به صورت دیگری شکل می‌گیرد. همچنین اکثر اختلافات و مشکلات سازمان با سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در هیأت دولت رسیدگی می‌شود و اگر حل این اختلافات به درازا بکشد، هرگونه خسارت بالقوه و محتمل کنونی یقیناً به محیط زیست وارد خواهد شد،

۱. رجوع کنید به صص ۵۵-۵۴ گزارش اصلی.

که با گذشت زمان، حتی چند روز بعد از واقعه اگر جلوی آن گرفته نشود، دیگر قادر نخواهیم بود جبران خسارت کنیم.

ایجاد دفاتر محیط زیست در کارخانه‌های بزرگ صنعتی یا حتی در داخل وزارتخانه‌ها و سازمان برای مقابله با بحران زیست محیطی و حضور به موقع در محل‌های مورد نظر ضروری است.

فراهم کردن امکانات و تجهیزات مناسب برای کارکنان و دادن امکانات از قبیل خودرو، موتور و غیره ... به آن‌ها در مسیرهای صعب‌العبور و تأمین وضعیت اقتصادی محیط بان و کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در مناطق زیست محیطی به نظر لازم می‌آید.

آموزش به عنوان مهم‌ترین مؤلفه در بخش زیست محیطی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. هدف از آموزش پیشگیری است، به طوری که همیشه باید آموزش یک قدم جلوتر از طرح و اهداف دیگر باشد. آموزش را باید همراه هر نوع خدمتی که از آن بهره‌مند می‌شویم داشته باشیم. وقتی بحث زیباله پیش می‌آید باید آموزش جمع‌آوری زیباله قابل اجرا و به صورت طرح مطرح گردد. رشد جمعیت بالا است، ولی آموزش جمعیت برای حفظ محیط زیست ناچیز است.

مقررات و قوانین ملی در حمایت از آموزش محیط‌زیست وجود ندارد، در حالی که تعهدات بین‌المللی در چنین مواردی وجود دارد. در بحث مقررات بین‌المللی اگر نهاد یا تأسیس در بحث آموزش بیان شده است، ایران هرگز نتوانسته خود را با سطح آن آموزشی که در معاهده مد نظر است، هماهنگ کند؛ چون در این زمینه همکاری صورت نگرفته است و اگر هم صورت گرفته بسیار اندک است.<sup>۱</sup>

تلاش در جهت رفع مشکلات مربوط به بحران محیط زیست معمولاً از سوی کشورهای مورد توجه قرار می‌گیرد که آینده‌نگرتر هستند و طرح‌ها و برنامه‌های اصولی و دراز مدتی را برای سرزمین خویش و حتی جهان در نظر دارند؛ لکن متأسفانه کشورهای

۱. رجوع کنید به صص ۵۸-۵۹ گزارش اصلی.

چنین نیستند و به دنبال حل مشکلات مقطعی و زودگذر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش هستند، به بحران محیط زیست توجه کم‌تری دارند و با آن به عنوان موضوعی فرعی غیرضروری و فاقد اولویت برخورد می‌کنند.<sup>۱</sup>

نظر به این که در مسیر حفظ و حمایت محیط زیست با برخی تعارضات و منافع سیاسی و اقتصادی مواجه هستیم، ضرورت دارد در جهت آشتی دادن و جمع بین این منافع و منافع محیطی و تعیین اولویت‌ها در هر مورد، برنامه‌ریزی دقیق و واقع‌گرایانه‌ای از سوی دولت صورت پذیرد.

حقوق محیط زیست زمانی به صورت عملی رعایت می‌گردد که علاوه برداشتن قوانین مناسب در این زمینه، در مرحله اجرا نیز نهادهای مسئول به طور جدی واقف به مسئولیت و رسالت خود بوده، به مفهوم واقعی، کار نظارت بر اجرای صحیح آن را به عهده بگیرند. متأسفانه در این مورد نیز حقوق محیط زیست با مشکل روبه‌رو است، زیرا در مواردی نهادهایی که خود متولی این امر هستند نه تنها نظارت کافی بر اجرای قوانین ندارند، بلکه خود نیز به نقض آن می‌پردازند.

در واقع آنچه هنگام وضع قوانین راجع به محیط زیست باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد، اهمیت دادن به تشویق و نگرانی فکری موجود درباره محیط زیست، در کل سیستم حقوقی است؛ زیرا در غیر این صورت، حقوق محیط زیست از بین خواهد رفت. به این منظور باید به مفهوم منابع طبیعی یا سرمایه‌های محیط زیست همانند میراث مشترک بشر ارزشی در خور داده شود و کوشش شود که متون مربوط به قانون حفاظت محیط زیست ساده‌تر شده، به سازمان حفاظت محیط زیست صلاحیتی لازم در این زمینه اعطا گردد و سازمان‌ها و نهادهای دیگر نیز ملزم به همکاری با این سازمان شوند.

برای این که جامعه بتواند از سلامت محیطی کافی برخوردار شود، قوانین وضع شده باید تضمین‌کننده حداقل آسیب به محیط زیست، حداکثر صرفه‌جویی در مصرف مواد آلوده‌کننده و انرژی و حداقل رشد جمعیت باشند؛ زیرا هر چه بر جمعیت افزوده شود، به

۱. رجوع کنید به ص ۵۳ گزارش اصلی.

همان نسبت بر میزان مصرف افزوده خواهد شد و نتیجه آن، افزایش بهره‌برداری از منابع و بیش‌تر شدن تخریب محیط زیست است. به این علت، قانونگذار باید با توجه به مجموع این مسائل به وضع قوانین و مقررات زیست محیطی پردازد.

امید آن که با تجدید نظر و اصلاح ساختار سازمان حفاظت محیط زیست و تدوین مقررات و قوانین خاص محیط زیست و جلوگیری از تداخل و تعارض در صلاحیت و اختیارات سازمان با سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، محیط زیست و طبیعت اطراف ما بهتر حفاظت شود تا علاوه بر این که خود از آن بهره‌مند می‌شویم، آن را به شکلی سالم به آیندگان و نسل‌هایی که پس از ما می‌آیند تحویل دهیم و سرانجام حقوق محیط‌زیست را از مرحله بدون حقوق خارج کرده، به رشته‌ای فعال در حفاظت از محیط زیست تبدیل کنیم.<sup>۱</sup>

